

یادداشت درباره تاریخ کمونیسم مدرن

کمونیسم مدرن (بمعنای جهان بینی و تئوری راهنمای مبارزاتی پرولتاریای عصر سرمایه داری) از زمان بدو پیدایش نطفه های آن تا کنون سه دوران کلی بشری زیر طی کرده است :

۱- دوران روشنگری (در سده های هفده و هیجدهم میلادی و در واقع در مناطق غرب اروپا) که نماینده گان فکری اصلی و عمده آن اشخاصی چون دیدرو، ولتر، روسو و مونتسکیو محسوب میشوند که همراه با همفکران و پیروانشان علیه اعتقادات کلیسایی و قرون وسطایی و جهت ترویج و تبلیغ ایده ها و گرایشات بورژوازی و یا- تا آنجا که به امر مورد نظر در اینجا مربوط میشود- متعلق به سایر طبقات اجتماعی و طبقه کارگر جدید در حال تکوین و رشد در آن دوران به مبارزه و فعالیت می پرداختند. تحولات و رویداد های فکری و تا حدودی سیاسی آن دوران به شکل معینی مرتبط با اینگونه کسان میباشد. توضیح اینکه جنبش فکری و فلسفی روشنگری درست است که عمدتاً خواستها و منافع بورژوازی در حال عروج در برابر ارتجاع کلیسایی و قرون وسطایی را نمایندگی میکرد اما تا حدودی هم خواسته ها و گرایشات اجتماعی پرولتاریای در حال نضج- یعنی طبقه اصلی متضاد بورژوازی مزبور و برضد نظام کاپیتالیستی در حال رشدش- را نیز بیان مینمود و بعلاوه در این زمانها پرولتاریا و بورژوازی مزبور تا اندازه ای هم در برابر کلیسا و فئودالیسم مصالح و منافع مشترک داشته و همسو بودند..

۲- دوران متعلق به "سوسیالیسم تخیلی" (حدود اواخر سده هیجدهم تا اوائل دهه چهارم سده نوزدهم و در واقع در مناطق مذکور) که نمایندگان تئوریک و سیاسی و عملی اصلی و عمده آن عبارتند از اشخاصی چون سن سیمون، فوریه و اوون که همراه با همفکران و پیروانشان در اعتراض و انتقاد به ستمگری های سرمایه داری و حمایت از طبقه کارگر به فعالیتهای تبلیغی و ترویجی و نیز در اشکال معینی عملی می پرداختند. رویدادهای تاریخی مرتبط با سوسیالیسم و سوسیالیستی در این دوران به اینگونه کسان مربوط میشود. کمونیسم این دوران طبعاً در عین حال ادامه تکاملی دوران نخست بحساب میاید.

۳- دوران مارکس و انگلس-بعنوان بنیانگذار اصلی و اولیه- و انواع طرفداران یا پیروان یا شاگردان یا هم مسلکان و همفکران راستین و نیمه راستین و یا دروغین عمده و بزرگ (چون کائوتسکی، پلخانف، لنین، تروتسکی، استالین، مائوتسه دون وغیره و غیره) و یا نسبتاً بزرگ و یا معمولی و عادی آنان که از اواسط دهه چهارم سده نوزدهم آغاز شده و لاقلاً تا زمان حاضر را و تدریجاً تقریباً تمام جهان را دربرمیگیرد. همه رویدادها و تحولات فکری و سیاسی واجتماعی و اقتصادی باصطلاح "کمونیستی" و مربوط به "کمونیسم" در این دوران در عین حال با این اشخاص و کسان یعنی "کمونیست" های باصطلاح بزرگ و یا کوچک و عادی مربوط میشود. کمونیسم این دوران طبعاً در عین حال ادامه تکاملی دوران دوم محسوب میشود.

اما به عقیده و پیش بینی من دوران متمایز نوین چهارمی نیز- که کمونیسم آن طبعاً در عین حال ادامه تکاملی دوران پیشین سوم بحساب خواهد آمد- ضرورتاً بایستی در آینده تحقق پیدا کند و در واقع جوانه های مقدماتی ایدئولوژیک و تئوریک و نظری آن هم اکنون تا اندازه ای بوجود آمده است. این دوران مراحل مختلفی را طی خواهد نمود. نوآوران و پیشروان بنیانگذار اولیه و اصلی این دوران احتمالاً شامل یک یا چند نفر و احتمالاً منحصر به مرحله نخست آن خواهد بود، میتوان گفت که کسانی با نقش های تاریخی ای همچون نقش های مارکس و انگلس در دوران سوم ولی بلحاظ تاریخی در سطحی دیگر و بالاتر. اشخاص مزبور هرچند واضحاً با مارکس و انگلس و امکاناً کسان دیگری از دوران سوم وجوه مشترکی خواهند داشت اما هر یک در کلیت خویش شخص خاص دیگری و با ویژگی های دیگری محسوب خواهد شد. اینکه مرحله نخست این دوران چقدر طول خواهد کشید را من نمیتوانم پیش بینی کنم. اما در این مرحله رویهمرفته وجه تئوریک و نظری دارای اهمیت درجه اول و وجه سیاسی- عملی دارای اهمیت درجه دوم خواهد بود. در این مرحله دادن آموزش و رهنمود و آگاهی از سوی اشخاص مزبور به کمونیستها و توده های کارگر و مبارزه ایدئولوژیک و تئوریک و نظری کمونیستی اهمیت عمده و درجه اول کسب خواهد کرد و فعالیت های عملی در حیطه های سیاسی عموماً با اهمیت درجه دوم و ثانوی خواهد بود. فعلاً فقط میتوانم بگویم که در مراحل از این دوران بایستی تحولات و پیشرفت های اجتماعی واقعی حقیقتاً کمونیستی بطور عمیق و گسترده ای صورت پذیرد.

بنظر میاید که بسیاری از افراد و جریانهای کمتر یا بیشتر حقیقتاً کمونیست کنونی یا فعلی بهر حال بصورت نوعی افراد و نیروهای بیشتر یا کمتر واپس گرای باصطلاح مارکسی و مارکسیست یا لنینیست یا مائوئیست یا استالینیست یا تروتسکیست یا..... بنحوی در برابر جریان شروع و تحقق این دوران چهارم کمونیسم مقاومت نموده و با آن مخالفت خواهند کرد.

حمید پویا

۴ اکتبر ۲۰۲۰